

متن پیاده سازی شده جلسه چهارم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 23 آذر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضری در صدد بیان نظر محقق نائینی در استدلال به آیه نفر و نقد کلام ایشان هستیم.

کلام ایشان: لعلم یحذرون چون علت غایی است از نظر حکم ما بعد تابع ما قبل است یعنی یحذرون حکمی را دارد که ما قبلش دارد؛ انذار قبل لعلم است؛ انذار قطعاً واجب است و وقتی گفتیم انذار واجب است شنیدن انذار هم واجب خواهد بود و وجوب عمل هم واجب خواهد شد. مراد آیه این است که مردم تک تک بروند و انذار بکنند و در وجوب عمل بر طبق قول منذر صحبتی از اطمینان و علم و... نیست.

کلام ایشان از سوی برخی (آقای خویی) تلقی به قبول شده است؛ مرحوم آقای بروجردی در آخر به این نتیجه می رسد که خبر اطمینان بخش حجت است نه خبر عادل به خلاف قول مرحوم نائینی

مرحوم امام خمینی به کلام محقق نائینی پرداخته و کلام ایشان را نقد کرده است؛ کلام ایشان البته با تلخیص بدین شرح است: اشکال اول ایشان: آقای نائینی لعل همیشه بر سر علت غایی نمی آید تا شما بگویید در حکم همیشه تابع ما قبل است؛ شما با این آیه چه می کنید فلعلک باخع نفسک علی آثارهم ان لم یومنوا بهذا الحدیث اسفا ... آیا واقعا علت عدم ایمان آنها به قران و رسالت این بود که پیامبر خودش را ملامت کند و از بین ببرد؟ نه اینگونه نبود و علت عدم ایمان آنها دلایل متفاوتی داشت. اشکال دوم: طبق این بیان فراز دیگر کلام محقق نائینی- که می فرمود مراد خوف عملی است- با مشکل مواجه می شود؛ مرحوم امام خمینی می فرماید مراد از یحذرون ترسیدن و متاثر شدن است. یعنی شما بروید انذار کنید تا اهل تقوا و خوف بترسند و پروا کنند.

اشکال سوم: شما یحذرون را به قرینه لینذروا حمل بر وجوب کردید! شما از کجا لینذروا را واجب کردید؟ در ابتدا آیه دارد و ما کان المومنون لینفروا کافه ... یعنی حق ندارد مومنان همگی بروند و ما می دانیم که امر بعد از نهی دلالت بر وجوب ندارد. نکته: البته به قرائن خارجی نباید تکیه کرد چرا که ما مدعای خود را می خواهیم از طریق آیه اثبات کنیم نه چیز دیگر ... اشکال چهارم: یکی از شرایط استفاده از اطلاق این است که گوینده در مقام بیان باشد؛ اگر خدای تعالی در مقام بیان وجوب حذر مکلفان بود میگفتیم کلام اطلاق دارد و فرقی ندارد که برای حذر شوتندگان علم یا اطمینان حاصل شود یا نشود اما آیه در مقام بیان این جهت نیست بلکه آیه در مقام وجوب یا جواز نفر عده ای است و لذا اطلاق گیری از تمام جهات صحیح به نظر نمی رسد نظیر خوردن ذبیحه کلب معلّم که گفته شده دلالت بر طهارت آن موضع ندارد و از جهت طهارت آن قسمت در مقام بیان نیست. بلکه در صدد این است که بگوید شکار کلب معلّم قابل استفاده است به خلاف شکار شیر و پلنگ و...

اشکال پنجم: در روایاتی وارد شده است که این آیه را بیان کرده اند برای نفر از سوال از امام حاضر علیه السلام یعنی وقتی امامی به شهادت می رسد بر برخی از مردم لازم است کوچ کنند و جویایی امام بعدی شوند. و میدانیم که وقتی چند نفر می آیند و خبر از امام بعدی می دهند باید مکلفین به علم برسند تا حرف نافرین را قبول کنند چرا که پذیرش امام علیه السلام از مسائل اعتقادی است و در پذیرش مسائل اعتقادی حصول علم لازم است پس کلام نائینی که می فرمود فرقی بین علم و اطمینان و ... نیست صحیح به نظر نمی رسد.

و الحمد لله رب العالمین